

## تعلیم و تربیت، مؤلفه‌های تأثیرگذار در تکامل انسان

نویسندگان:

عباس رجائی<sup>۱</sup> و قدسیه سادات هاشمی دولابی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات استراتژیک صنعت جهانگردی، ایران.

barajaei<sup>۳۹</sup>@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

hashemigh<sup>۱۴</sup>@gmail.com

**چکیده-** انسان دارای قابلیت‌ها و استعدادهایی است که جانداران دیگر فاقد آن هستند، این ویژگی‌های اختصاصی، نه تنها در جنبه جسمانیت و آفرینش مادی وی به کار رفته است، بلکه انسان، دارای ویژگی‌هایی روحانی و معنوی است که سبب امتیاز او از سایر موجودات گردیده و او را یگانه آفرینش و دُرْدانه عالم هستی قرار داده است. انسان موجودی است که ایستایی و سکون را بر نمی‌تابد و همواره رو به سوی صیروت، شدن، گردیدن، تکامل و فرگشت دارد، هرچند هر گروه با توجه به بینش خاص خود، نسبت به انسان، شناخت پیدا می‌کند ولی این مقاله می‌کوشد با استفاده از روش اسنادی و با کمک مطالعات کتابخانه‌ای به ترسیم روشنی از تعلیم و تربیت پرداخته و نقش آن را در تکامل انسان باز نمایند.

**کلید واژه:** تعلیم و تربیت، تعلیم، تربیت، فرگشت، تکامل انسان.

### ۱- تعلیم و تربیت

یکی از مسائل مهم جوامع بشری و به گونه‌ای، بزرگترین و دشوارترین آنها، تعلیم و تربیت انسان است که همواره مورد توجه متفکران و فلاسفه قرار گرفته و هر یک متناسب با دیدگاه مورد پذیرش خود، تعلیم و تربیت را به گونه‌ای تصویر و تعریف می‌کنند. تعلیم و تربیت یکی از بنیادهای زندگی فردی و اجتماعی انسان است و همواره در زندگی بشر مؤثر بوده و لازمه تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعدادهای انسان است. پس به طور کلی محور تعلیم و تربیت روح و روان آدمیان است و شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود وی در گرو آن است. هر کمالی در گرو رشد است و هر رشدی در گرو تربیت است. هر کمالی که در عالم و انسان ظاهر می‌شود، هزاران راه تربیت رفته و صدها هزار شرایط برایش آماده کرده‌اند. تعلیم و تربیت صحیح شرط لازم کمال آدمی است. اگر انسان



ICPSE  
2020

http://icpse.ir  
info@icpse.ir

کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

کرجستان - تفتیس (۱۷ آبرماه ۱۳۹۹) - اکادمی بین المللی علوم و مطالعات کرجستان

تربیت الهی شود، فرشته خو می گردد و گاه از فرشتگان فراتر می رود و گرنه به قهقرا رفته و به مرتبه حیوانات و فروتر از آن تنزل خواهد کرد. پس تربیت با رشد و تکامل رابطه تنگاتنگی دارد و به عبارت دیگر، رشد و تکامل باعث ظهور استعداد می شود.

## ۲- تعلیم

الف- معنای لغوی تعلیم

به معنای آموزش، کسی را چیزی آموختن، علم یا هنری را به کسی یاد دادن، تلقین و القاء کردن معارف و مبادی علوم بر حسب اختلاف دانش آموز [۱]

ب- معنای اصطلاحی تعلیم

در مورد تعلیم تعاریف متعددی بیان شده است که عبارتند از:

- انتقال معلومات و مهارت ها

- انتقال معلومات و دانسته ها از معلم به متعلم به طوری که مقصود از آن فرا دادن نوعی از معرفت باشد.

- سخن گفتن و القای کلمات معنی دار تا متعلم به معنای آن الفاظ پی ببرد و بدین وسیله استعداد تعلم خویش را به فعلیت تبدیل سازد و عالم شود.

- فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای این که متعلم دانشی را واجد شود. این تعریف کلی و فراگیر و قابل قبول است زیرا:

-تعلیم به زمینه ها و عوامل نیازمند است که این مطلب در تعریف قید شده است.

- متعلم انسانی است که خود فعالانه به یادگیری می پردازد در حالی که در تعاریف قبلی متعلم نقش فعالی نداشت. [۲]

## ۳- تعریف تربیت

الف - معنای لغوی

تربیت از ریشه «رب و» به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است [۳] و کاربردهای گوناگون از این ریشه همگی همین معنا را در بر دارند.

«ربو» نفس عمیق و بلند را گویند که موجب برآمدن سینه است .

«ربوه» یعنی سرزمین بلند و مرتفع [۴] «رابیه» نیز به همین معنا است. [۵]

راغب اصفهانی می نویسد: «رب» یعنی تربیت کردم، از واژه «ربو» است و می گوید اصلش از مضاعف یعنی «رب=رب» بوده است که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ، به حرف «ی» تبدیل شده است.



ICPSE  
2020

<http://icpse.ir>  
[info@icpse.ir](mailto:info@icpse.ir)

کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

کرجستان - تفتیس (۱۷ تیرماه ۱۳۹۹) - آکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات کرجستان

«رب» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، مربی، قیم، سرور و مدغم است و نیز اصلاح کننده هر چیزی را «رب» گویند. [۶] بنابراین «رب» به معنای مالک، مدبر و تربیت کننده است. [۷]

ب- معنای اصطلاحی تربیت

دانشمندان از دیرزمان تاکنون در باره تفسیر این کلمه و آشکار کردن آن تلاش کرده اند اما به تفسیر واحدی دست نیافته اند.

برخی از این تفسیرها عبارتند از:

- رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. [۸]

- تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای شکوفا کردن استعداد های بالقوه انسان در جهت مطلوب. [۹]

#### ۴- تفاوت مفهوم تعلیم و تربیت

الف- تعلیم جنبه ذهنی دارد و تربیت جنبه عملی - چه بسا افرادی که علم و آگاهی نسبت به بسیاری از مسائل دارند اما به هیچ یک از آنها عمل نمی کنند. اینها فقط تعلیم دیده اند. اما عمل به تعلیم، تربیت نامیده می شود.

مثال: یک زمان معلم در مورد نماز یا روزه به دانش آموزان مطالبی را یاد می دهد که این تعلیم است ولی زمانی می رسد که دانش آموز به تعلیمی که دیده عمل می نماید و نماز برگزار می کند. در این صورت می گوئیم که دانش آموز تربیت شده است. بنابراین تعلیم جنبه ذهنی دارد و تربیت جنبه عملی دارد.

ب- اهداف تربیت گسترده تر از اهداف تعلیم است - تربیت می تواند استعدادهای عقلانی، روحانی، عاطفی، جسمانی، اجتماعی انسان را رشد دهد اما در تعلیم فقط جنبه های افزایش معلومات فرد مطرح است. بنابراین اهداف تربیت نسبت به اهداف تعلیم گسترده تر است.

پ- مفهوم تربیت وسیعتر از تعلیم است - رابطه بین تربیت و تعلیم از نظر منطقی عموم و خصوص مطلق است. تعلیم فقط اختصاص به موجودی دارد که دارای درک و شعور باشد و بتواند علمی را فرا گیرد ولی تربیت در مورد موجودات بدون شعور که قابلیت رشد دارند نیز صادق است. تربیت علاوه بر انسان، حیوان و گیاه و مجازاً جماد را شامل می شود. بنابراین تعلیم خاص موجود ذی شعور است. موجودی که استعدادی ندارد، نمی توان آنرا تعلیم داد. مثلاً در یک کبوتر استعداد درس خواندن وجود ندارد یعنی ما نمی توانیم یک کبوتر را تعلیم دهیم ولی برخی استعدادهای او که دارند می توان پرورش داد مانند تربیت خرس ها در سیرک. مفهوم تربیت به معنی عام آن شامل همه عوامل مؤثر در شکوفا شدن ویژگی های فردی و استعدادهای انسان و نحوه رفتار او می شود. پس مفهوم تربیت وسیعتر است. [۱۰]

## ۵-اخلاق

اخلاق جمع «خَلْق» و «خَلَق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. در مقابل، «خَلُق» به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود. [۱۱] همچنین «خَلَق» را صفت نفسانی راسخ نیز می‌گویند که انسان، افعال متناسب با آن صفت را بی‌درنگ انجام می‌دهد. مثلاً فردی که دارای خلق شجاعت است در رویارویی با دشمن تردید به خود راه نمی‌دهد.

این حالت استوار درونی ممکن است در فردی به طور طبیعی، ذاتی و فطری وجود داشته باشد. مانند کسی که به سرعت عصبانی می‌شود یا به اندک بهانه ای شاد می‌گردد. منشاء هایدیگر خلق، وراثت و تمرین و تکرار است. مانند اینکه نخست با تردید و دودلی اعمال شجاعانه انجام می‌دهد تا به تدریج و بر اثر تمرین، در نفس او صفت راسخ شجاعت به وجود می‌آید به طوری که از این پس بدون تردید، شجاعت می‌ورزد. [۱۲] صفت راسخ درونی ممکن است «فضیلت» و منشاء رفتار خوب باشد و یا «رذیلت» و منشاء کردار زشت، به هر روی بدان «خَلَق» گفته می‌شود. [۱۳]

### ۱-۵ معانی اصطلاحی اخلاق

عالمان اخلاق معانی اصطلاحی متعددی برای اخلاق بیان کرده‌اند [۱۴] تعدادی از رایج‌ترین آنها عبارتند از:  
- «صفات انسانی» که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده

باشد. [۱۵]

- اخلاق شامل صفات نفسانی غیرپایدار نیز است. [۱۶]

- نظام اخلاقی یا نظریه هنجاری یک فرد یا گروه، همچون اخلاق عملی پیامبر اکرم (ص)، سقراط، ورزشکاران.

- اخلاق به معنای نهاد اخلاقی زندگی. در این کاربرد، اخلاق معنایی هم عرض هنر، علم و حقوق خواهد داشت. [۱۷]

- ابن مسکویه در باره «خَلَق» نیز می‌گوید: حالتی است که باعث می‌شود افعال مناسب با آن بدون نیاز به فکر و تأمل از

فرد صادر شود. [۱۸]

- خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: علم است به آنکه نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی

افعالی که به ارادت او از او صادر شود، جمیل و محمود بود. [۱۹]

- ملا احمد نراقی در معراج السعاده در فایده اخلاق گفته است: فایده علم اخلاق پاک ساختن نفس است از صفت‌های

رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله که از آن به «تهذیب اخلاق» تعبیر می‌شود. بنابراین موضوع علم اخلاق عبارت از

صفات و اعمال خوب و بد، از آن جهت که برای انسان قابل تحصیل و اجتناب و یا انجام و ترک است. از آنجا که مبدء

و بازگشت رفتار و صفات خوب و بد انسان به روح و روان آدمی می‌باشد، بعضی از عالمان اخلاق، موضوع علم اخلاق

را شناخت «نفس انسانی» دانسته‌اند. [۲۰]

هدف نهایی علم اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت تحقیقی خود که همانا هدف اصلی خلقت انسان و جهان است، برساند. تفسیر واقعی و تحقق این کمال و سعادت به آن است که انسان به قدر ظرفیت و استعداد خود، چه در صفات نفسانی و چه در حوزه رفتاری، جلوه گاه اسماء و صفات الهی گردد تا در حالی که همه جهان طبیعی و بی‌اراده به تسبیح جمال و جلال خداوندی مشغول اند، انسان با اختیار و آزادی خویش، مقرب‌ترین، گویا‌ترین و کامل‌ترین مظهر الهی باشد. [۲۱]

## ۲-۵ تفاوت اخلاق و تربیت

اخلاق و تربیت با یکدیگر تفاوت دارند. اخلاق امری مقدس و ویژه حوزه افعال اختیاری انسان‌ها است. از این رو معنای آن خاص است. برخلاف تربیت که معنای عامی دارد و شامل حیوانات نیز می‌شود. شهید مطهری (ره) در بیان تفاوت تربیت و اخلاق می‌گوید:

«تربیت، مفهوم پرورش و ساختن را می‌رساند و بس. از نظر تربیت فرق نمی‌کند که تربیت چگونه و برای چه هدفی باشد، یعنی در مفهوم تربیت، قداست ... (نهفته نیست) که بگوییم تربیت یعنی کسی را آنطور پرورش بدهند که یک خصایص مافوق حیوانی پیدا کند. اما در مفهوم اخلاق قداستی نهاده شده است ... (به همین سبب) کلمه اخلاق را در مورد حیوان یا گیاه به کار نمی‌برند. اخلاق اختصاص به انسان دارد ... (بنابراین) اگر بخواهیم با اصطلاح صحبت کنیم، باید بگوییم فن اخلاق و فن تربیت یکی نیست ... فن تربیت وقتی گفته می‌شود که منظور مطلق پرورش باشد.» [۲۲]

به عبارت دیگر، تربیت با اخلاق تفاوت دارد و با اینکه اخلاق خود ثمره تربیت است و به معنی کسب نوعی خلق حالت و عادت می‌باشد ولی رابطه اساسی تربیت و اخلاق این است که تربیت اعم از اخلاق است و نسبت تربیت و اخلاق از نظر منطقی عموم و خصوص مطلق است. [۲۳]

## ۳-۵ تفاوت تزکیه و تربیت

کلمه تزکیه از ماده «زکی» و به معنای پاکیزه کردن، بی‌آلایش کردن، زکات دادن آمده است و در اصطلاح به معنی تهذیب استعمال می‌شود و این بدان خاطر است که تهذیب نفس موجب رشد و نمو و کمال انسان می‌گردد. همانطور که در مسأله زکات نیز صادق است. زکات ظاهراً چیزی از مال کم می‌کند ولی در حقیقت موجب افزایش و برکت مال می‌گردد. بنابراین هر دو واژه «تزکیه» و «تربیت» از نظر لغوی دارای معنی مشابهی هستند. تزکیه را می‌توان در مورد جنبه‌های جسمانی و روحانی بکار برد ولی در قرآن واژه تزکیه بیشتر در مورد نفس و روح و جنبه‌های معنوی انسان بکار رفته است و واژه تربیت بیشتر در مورد جنبه‌های جسمانی بکار گرفته می‌شود. نکته دیگر به لحاظ ارزش و اهمیت تزکیه بر تعلیم تقدم دارد. [۲۴]





ICPSE  
2020

http://icpse.ir  
info@icpse.ir

کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

کرجستان - تفریس (۱۷ آبرماه ۱۳۹۹) - اکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات کرجستان

همان گونه که بیان شد، هدف از تعلیم و تربیت، رشد و تعالی انسان به عنوان موجودی ذی شعور و اشرف مخلوقات است و تمامی مکاتب فلسفی و ادیان الهی برای رسیدن به روشهای مطلوب رشد و کمال انسان به بحث و بررسی و ارائه نظریات متعدد پرداخته اند. در این بخش از مقاله گریزی به کاربردهای تعلیم و تربیت برای تکامل انسان پرداخته و انسان شناسی را به بحث می‌نشینیم.

## ۶- رویکردهای گوناگون در انسان شناسی

انسان در علوم مختلف به گونه‌ای غیر مستقیم یا غیر مستقیم مورد بحث قرار می‌گیرد. عرفان، فلسفه، روانشناسی، پزشکی، جامعه‌شناسی، سیاست، اقتصاد و مانند اینها از جمله علمی هستند که هر کدام در باره یکی از ابعاد انسان بحث می‌کنند. با توجه به تقسیم علم به حضوری و حصولی و تقسیم علوم حصولی به حسی، عقلی، دینی و تاریخی، پنج رویکرد متفاوت در انسان شناسی وجود دارد. [۲۵] محور و اساس مسائل اسلام، انسان می‌باشد. با کمی درنگ در می‌یابیم که قابلیت‌ها و استعدادیابی در انسان وجود دارد که در دیگر جانداران به چشم نمی‌خورد و علاوه بر پیچیدگی و عظمتی که در خلقت مادی وی به کار رفته و وجه مشترکی از این جهت با دیگر جانداران دارد. انسان ویژگی‌های روحی منحصر به فردی دارد که سبب امتیاز او نسبت به سایر موجودات شده است. مواردی چون خلاقیت، کرامت، مسئولیت، هدفمندی و ... از جمله امتیازات انسان است. قرآن ضمیر انسانی را به عنوان یک منبع معرفت ویژه نام می‌برد. از نظر قرآن، سراسر خلقت آیات الهی و علائم و نشانه‌هایی برای کشف حقیقت است. قرآن از جهان خارج انسان به «آفاق» و از جهان درون انسان به «انفس» تعبیر می‌کند و از این راه اهمیت ضمیر انسانی را گوشزد می‌نماید. «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» [۲۶] اصطلاح «آفاق و انفس» در ادبیات اسلامی از همین جا پدید آمده است.

«کانت» فیلسوف آلمانی جمله‌ای دارد که شهرت جهانی دارد و همان جمله بر لوح قبرش حک شده است. او می‌گوید: «دو چیز است که اعجاب انسان را سخت بر می‌انگیزد. یکی آسمان پرستاره‌ای که بالای سر ما قرار گرفته است و دیگر وجدان و ضمیری که در درون ما قرار دارد.» [۲۷]

## ۷- تصویر انسان در اسلام

برای تبیین مسیر تعلیم و تربیت، در ابتدا باید انسان را بشناسیم. هر مکتبی انسان را از دریچه مخصوص خود می‌بیند در حالی که انسان‌ها خصوصیات مشترکی با هم دارند و علی‌الاصول باید برای تکامل او برنامه واحدی وجود داشته باشد و طبیعتاً این برنامه هم مطابق با فطرتش تنظیم شود.

انسان اسلام سه بُعد دارد:



ICPSE  
2020

http://icpse.ir  
info@icpse.ir

کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

کرجستان - تقویم (۱۷ آبرماه ۱۳۹۹) - آکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات کرجستان

الف- تن: که مشهود است و بی‌نیاز از توضیح است.

ب- اندیشه: بعد اندیشه (نه اندیشه مادی که متأثر از فعل و انفعالات مغز می‌باشد). که انسانیت انسان یا موجودیت انسان وابسته به آن است. آغاز موجودیت و استقلال انسانی از اندیشه شروع می‌شود و انسانیت انسان یا موجودیت انسان وابسته به اندیشه او است. ارج و عرض شخصیت و به قول سیاستمداران پرستیژ و به قول روانشناسان کاراکتر و به قول فلاسفه هویت یک انسان در طرز تفکر و اندیشه او است.

پ- روح: بعد سومی که انسان اسلام دارد، بعد روح است.

پس در تعلیم و تربیت اسلام باید هر سه بعد را تربیت کرد و رشد داد و علاوه بر آن در تعلیم و تربیت اسلامی هم به فرد و هم به جمع اهمیت داده شده است. بر خلاف سیستمها و نظامهای دیگر تعلیم و تربیت که اصالت را به فرد یا جمع می‌دهند، اسلام هم به فرد و هم به جمع اصالت داده است. [۲۸]

## ۸- تکامل انسان

حرکت تدریجی یک شیء از نقص به نقطه مطلوب رشد را «تکامل» گویند که به معنی به کمال رسیدن، به تدریج کامل شدن، رو به کمال رفتن آمده است. تکامل به انواع مختلف تقسیم شده که عبارتند از:

۱- تکامل فردی: این نوع تکامل خود به چند دسته تقسیم می‌شود:

الف- تکامل مادی و فیزیولوژیکی: هر انسانی از نظر بدنی و جسمانی در یک حد از رشد متوقف می‌شود. یعنی از نظر رشد مادی محدودیت دارند. مانند قد و اعضاء و جوارح که به یک میزان خاصی رشد می‌کنند. این نوع تکامل بین انسان و سایر موجودات مشترک است و آنرا تکامل مادی یا فیزیولوژیکی می‌گویند.

ب- تکامل علمی: این نوع تکامل مخصوص انسان است و هرچه بیشتر در احوالات و آثار جهان پیرامونی خود مطالعه نماید، انرژیهای بیشتر و نوین تری را به استخدام خود درآورده و زندگی بهتری را برای خود رقم می‌زند.

پ- تکامل فکری: این نوع تکامل نیز مختص انسان است و با تفکر در حقایق کائنات و با استفاده از ابزارهای علمی و تکنیک‌های فرهنگی اوج می‌گیرد و مسائلی را که حتی علم برای رسیدن یا حل آن راهکاری ندارد را بدست می‌آورد و راز آن را می‌گشاید.

ت- تکامل روحی و معنوی: ارزنده‌ترین نوع تکامل انسان، تکامل روحی و معنوی است. بشر در اثر صفای باطنی و گرایش به مبدء و عشق به ملکوت، یک روحیه نیرومند و ارزنده‌ای پیدا می‌کند و به بالاترین حد خود رشد می‌کند.

۲- تکامل اجتماعی: همانگونه که یک فرد ترقی می‌کند، یک اجتماع نیز ترقی می‌کند. انسانها در تکامل اجتماعی می‌توانند امت واحده را شکل داده و جامعه توحیدی را بسازند که در آن همه فضایل رشد و تکامل اجتماعی مهیا گردد.



ICPSE  
2020

http://icpse.ir  
info@icpse.ir

البته اگر در مسیر غیرصواب نیز روند، اضمحلال جامعه و سقوط آنرا حتمی خواهند کرد. وحی الهی اضمحلال تکامل فردی و اجتماعی را از آثار گناه می‌داند. [۲۹]

## ۹- نتیجه‌گیری

انسان دارای قابلیت‌ها و استعدادهایی اختصاصی است که از جمله آنها ویژگی‌های اخلاقی و تربیتی است، در این مقاله ضمن بررسی این امر، به بیان برخی از نظرات فلسفی و اخلاقی و تعلیم و تربیتی و بررسی ابعاد مختلف تعلیم و تربیت و مقایسه آن با تزکیه می‌پردازیم. انسان موجودی تحول‌پذیر و تکامل‌خواه است و با توجه به خصوصیات جسمی و روحی دارای ظرفیت تعلیم، تربیت و تزکیه می‌باشد. از سوی دیگر انسان مطلوب اسلام، همواره در راستای کسب معرفت و پیمودن راه‌های کمال است تا در این مسیر تکامل دائمی، خلیفه خدا بر زمین گردد و صلاحیت اداره جهان را کسب کند. بنابراین سیر کمال انسان نیازمند بستری مناسب است که به قطع و یقین با ابزار تعلیم و تربیت مهیا می‌گردد. تعلیم و تربیتی می‌تواند این تحولات به سوی کمال را راهبری کند که در راستای فطرت انسان باشد و تعالی روح و معنویات انسان را همزمان با تعالی جسم و فکر و تعقل انسان تکامل بخشد و سبک زندگی جدیدی را به وجود آورد. در این صورت است که اجتماع انسانی به جوشش درآمده و جامعه یکپارچه توحیدی و امت واحده را می‌سازد. انسان موجودی است که همواره رو به سوی سیورورت، شدن، گردیدن، کامل و فرگشت دارد، هرچند هر گروه با توجه به بینش خاص خود، نسبت به انسان، شناخت پیدا می‌کند ولی با داشتن شناخت از تعلیم و تربیت می‌توان به ابعاد تکاملی انسان سرعت و جهت داد.

## مراجع و مآخذ

- [۱] فایضی، علی، (۱۳۷۹)، تربیت، روش‌ها، اخلاق، نشر طراحان، چاپ دوم، ص ۱۴.
- [۲] همان
- [۳] ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۶ ق)، لسان العرب، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۱۲۶.
- [۴] «و جعلنا ابن مریم و امه آیه...» مؤنون/ ۵۰
- [۵] الراغب الاصفهانی، الحسین بن محمد، (۱۳۷۶)، المفردات فی غریب القرآن، المكتبة المرتضویه لاحیاء آثار المرتضویه، تهران، ص ۱۸۷.
- [۶] الزبیدی، محمد مرتضی (بی تا)، تاج العروس عن جواهر القاموس، جلد ۱، بیروت، دار المكتبة الحیاه، ص ۲۶۰.
- [۷] دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، سیری در تربیت اسلامی (ویرایش دوم)، نشر دریا، چاپ دهم، ص ۲۴.





ICPSE  
2020

http://icpse.ir  
info@icpse.ir

کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

کرجستان - تفلیس (۱۷ تیرماه ۱۳۹۹) - اکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات کرجستان

- [۸] همان، ص ۲۵.
- [۹] فایضی، علی، (۱۳۷۹)، تربیت، روش‌ها، اخلاق، نشر طراحان، چاپ دوم، ص ۱۶.
- [۱۰] همان، ص ۱۷.
- [۱۱] ابن فارس، احمد، (۱۳۸۷)، ترتیب مقایسه‌ی اللغه، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ص ۱۵۹.
- [۱۲] ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، نشر بیدار قم، ص ۵۱.
- [۱۳] فایضی، علی، (۱۳۷۹)، تربیت، روش‌ها، اخلاق، نشر طراحان، چاپ دوم، ص ۱۵۶.
- [۱۴] جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶)، فلسفه اخلاق، نشر معارف، چاپ دوم، ص ۲۹-۲۸.
- [۱۵] ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، نشر بیدار قم، ص ۳۶.
- [۱۶] همان، ص ۴۷.
- [۱۷] جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶)، فلسفه اخلاق، نشر معارف، چاپ دوم، ص ۲۹-۲۸.
- [۱۸] ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، نشر بیدار قم، ص ۲۷.
- [۱۹] طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۰)، اخلاق ناصری، تحقیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، نشر خوارزمی، تهران، چاپ دوم، ص ۴۸.
- [۲۰] نراقی، محمد مهدی، (بی تا)، جامع السعادات، ج ۱، نشر اسماعیلیان قم، ص ۲۲.
- [۲۱] داوودی، محمد، (۱۳۸۷)، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، نشر معارف، چاپ هشتم، ص ۱۷.
- [۲۲] مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، نشر صدرا، تهران و قم، ص ۵۹.
- [۲۳] فایضی، علی، (۱۳۷۹)، تربیت، روشها، اخلاق، نشر طراحان، چاپ دوم، ص ۱۸.
- [۲۴] همان
- [۲۵] گرامی، غلامحسین، (۱۳۸۴)، انسان در اسلام، نشر معارف، چاپ سوم، ص ۲۵.
- [۲۶] فصلت / ۵۳.
- [۲۷] مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، نشر صدرا، ص ۷۴.